

## خودکشی شاعر، مترجم و پژوهشگر دکتر حسن هنرمندی در پاریس

### افسانه خاکپور

از هم‌گريزي خواسته يا نا خواسته يکي از ویژگی‌هاي بخشي از نويسندگان و شاعران ساکن پاریس مي باشد، در جوار يکديگر و ازهم دوری جستن را هم شرایط مهاجرت و مشکلات زیست و هم نوعی تفکر مسلط در این دیار دامن زده است.

حسن هنرمندی با روحیه‌اي فوق العاده حساس و زودرنج بیش از هر کس از این شرایط رنج برده و به سئوه آمده بود. او که گویی آغاز خزانې دیگر را تاب نداشت در روزهاي آخر سپتامبر در آپارتمانې کوچک در طبقه چهاردهم يك ساختمان دولتي در هفتاد و چهار سالگي به زندگي خود پایان داد. در نامه‌اي که از خود بجای گذاشت عامل خودکشی خود را دشمنان شعر خود و دشمنان شعر و ادب پارسي نامید.

او چند روز پیش از خودکشی کتابهای وام گرفته از دوستان را به آنها بازگردانده و چنین وانمود کرده بود که قصد سفر دارد. در روز خودکشی خود نیز با دوست و همدم دیرینه خود آقای حمید دانشور، بازیگر تياتر قرار ملاقات گذاشته، سپس دست به خودکشی میزند. آقای دانشور به در خانه او آمده و پاسخي نمي شنود، بعد از چند بار تلفن زدن و بي خبري، فرداي آنروز دوباره خود را به خانه او رسانده و بناچار پليس را خبر کرده و با صحنه خودکشی او روبرو میگردد.

دکتر حسن هنرمندی در سالهاي 30-1332 و 47-1342 به سفر و تحقيق در شعر و ادبیات فرانسه پرداخت. او در دوران خلاقیت ادبی خود که از همین سالها تا پیش از انقلاب را در بر میگیرد دهها مجموعه شعر، نقد و بررسی در ادبیات تطبیقی ایران و فرانسه و معرفی و شناساندن مکاتب مختلف شعري فرانسه از رمانتیسم تا سور یالیسم و ترجمه اشعار شاعرانی چون رمبو، بودلر، ملارمه، ورنل، والرې، آراگن، اوار، لرتن، سوپر ویل، آپولینر و معرفی شماری دیگر از شاعران فرانسه و بلژیک پرداخت.

او بعنوان متخصص آندره ژید همچنین به ترجمه آثاری چون «مابده‌هاي زميني» و بخش دیگری از آثار او همت گماشت. ترجمه «آلیس در سرزمین عجایب» اثر لوئیس کارول، «شام طولانی کریسمس» از ثورنتون وایلدز از جمله آثار اوست. علاوه بر چاپ چند اثر شعري، حسن هنرمندی به تحقیق درباره تأثیرات شعر پارسي بر شاعران اروپا و بویژه فرانسه و تدریس در همین زمینه پرداخت و آثاری نیز بزبان فرانسه نگاشت.

سالهایی پس از انقلاب ایران به فرانسه موطن دوم خود بازگشت و تا پایان عمر در پاریس و در انزوا و بدور از جنجالگران و مدعیان ادب و فرهنگ زیست. او که بدلیل زودرنجی و طبع ناسازگار خود (که حق هر هنرمندی است) و بی کفایتی فکری سردمداران ادبی مورد بی مهری و ناسپاسی مؤسسات و انجمن‌هاي ادبی و فرهنگی خارج از کشور قرار گرفته بود به گفته دوستان در سالهاي اخير دچار پارانويا و توهم «رژیم ترسايي» شده و با وجود آنکه در امور سياسي و حتي اجتماعي دستي نداشته خود را همواره در تعقيب و کنترل دشمن مي پنداشته و در تنهایی مفرط به اینگونه تخیلات و خود آزاری پناه میبرده است.

او که سوداگري ادبی را در شان خود نمیدانست مورد بی اعتنایی چند جانبه قرار گرفته و با وجود دانش در خور او در ادبیات فارسي و فرانسه در هیچیک از دانشکده‌ها و بنیادهای فرانسوي نیز راهی نداشت.

و چنین است سرنوشت سازش ناپذیران در شرق یا غرب |

یادش گرامی باد

پاریس 29 سپتامبر 2002

## مرگ عاشقان

### از بودلر

#### ترجمه حسن هنرمندی

بستر هایمان آغشته به بو های خفیف خواهند بود

و نیمکت های گود چون گور

و گلهایی عجیب در قفسه ها

در زیر آسمانهای زیبا برای ما شکفته خواهند بود

دلای ما که به همچشمی یکدیگر آخرین گرماهای خود را بکار برده اند

چون دو مشعل پهناور خواهند شد

که روشنایی دو گانه خود را براندیشه های ما، این دو آینه توامان

خواهند تابانید

شامگاهی که از سرخی و آبی عارفانه ای ترکیب یافته است

آذرخشی یکتا رد و بدل خواهیم کرد

همچون مویه ای طولانی که باردار بد رود است

اندکی بعد فرشته ای درها را خواهد گشود

و وفادار و شادمانه خواهد آمد تا آینه های گرد آلود و شعله های افسرده

را بار دیگر زنده گرداند.